

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

جمیله، عضو سازمان انقلابی افغانستان

۱۴ سپتمبر ۲۰۱۲

«خاطرات هشت سال پایواری زندان پلچرخي»

نمونه ای از شکوهمندی

«خاطرات هشت سال پایواری زندان پلچرخي» نوشته رفیق «رحیمه توحی» همسر رفیق «کبیر توحی» مبارز بی همتا که دیوارهای بلند پولیگون پلچرخي از شهامت، مقاومت و استواری او و سایر مبارزان انقلابی به لرزه درآوردند، اولین نمونه از خاطرات مبارزاتی خانواده مبارزی است که تاریخ مبارزاتی افغانستان آن را به یاد ندارد. من ضمن تهنیت و تبریک به رفیق «رحیمه» به خاطر به تحریر درآوردن خاطرات آن سال های جنایتبار، تلخ، جانسوز و پر از خیانت، قلم هر دو رفیق مبارز را در مبارزه علیه امپریالیزم خونخوار امریکا و امپریالیست های دیگر و ارتجاع هار مذهبی کماکان برنده تر می خواهم.

نوشتن «خاطرات هشت سال پایواری زندان پلچرخي» از سوی یکی از زنان مبارز سرزمین سوخته، جهادی و طالب گزیده و در کام امپریالیزم برای هر فرد انقلابی و متعهد کشور ما مایه مباهات بوده و ما را در مبارزه علیه امپریالیزم امریکا و دولت پوشالی آن نیروی بیشتر می بخشید، چه این نه یک تمجید اخلاقی بلکه حقیقتی است روشن به مانند آفتاب. این اثر از آن جهت برای من به حیث عضو سازمان انقلابی افغانستان بیشتر حایز اهمیت است که از سوی زنی به رشته تحریر در آمده که با استواری در سرزمین زن ستیز و مردسالار به عزیزش که در بند دژخیمان، شب را به فکر اعدام سحر می کرد، نیرو و قوت قلب می بخشید؛ زنی که از بام تا شام زحمت می کشید، عرق می ریخت، کودکش را پرورش می داد و به پایواری شوهر در بندش می رفت که جلادان، او را از او ربوده بودند و مهر پدرا نه را از کودکش دزدیده بودند؛ زنی که در میان تحقیرها و توهین ها و نگاه های پست مزدوران سوسیال امپریالیزم شوروی با غرور و سرافرازی، جلادان را به تمسخر می گرفت و به همسرش پیام استواری می داد.

زنان کشور ما که در طول تاریخ در دوزخ ارتجاع هار مذهبی، طبقات حاکمه، دولت های مستبد و حاکمیت مردسالارانه سوخته و می سوزند، بدون شک از فقیرترین و مظلوم ترین زنان جهان به شمار می روند، بنابراین

مبارزه در چنین شرایطی برای زنان ما دشوارتر از مبارزه زنان در هر کشوری است، زیرا در کشوری که حتا صدای پای زن جرم پنداشته می شود و زن نیم مرد به حساب می آید، دفاع از عقاید مارکسیستی همسر، مسلماً مستلزم استواری کوهگون است که در خاطرات رفیق «رحیمه توخی» می توان آن را دید.

رفیق «رحیمه توخی» با نوشتن «خاطرات هشت سال پایواری زندان پلچرخی» به زنان و دخترانی نوید می دهد که نومیدی سر تا پای آنان را فرا گرفته و با انحرافات و خیانت های موجود در جنبش چپ انقلابی، به مبارزه بی باور شده و روزنه ای به سوی روشنی نمی بینند. این خاطرات به خوبی گواه آن است که ولو شرایط هر قدر دشوار و مبارزه هر اندازه مشکل باشد، باز هم می توان به پیش رفت، مبارزه کرد و با ایمان راستین به ایدئولوژی طبقه کارگر و توده ها بر دشواری ها و مشکلات غلبه و راه را به سوی روشنی باز نمود.

باورم بر اینست که مبارزه برای رهائی از چنگال خونین امپریالیزم، ارتجاع و استبداد و ساختن دنیای جدید با نیروی بازوی زنان و مردان امکان پذیر است، و مبارزه برای گسستن زنجیرهای استبداد، امپریالیزم، ارتجاع و مذهب از دستان زنان نیز در کار و پیکار مشترک هر دو نهفته است که مبارزه دو رفیق، دو هم‌رزم و عزیز، نمونه بارز و زنده کنونی در راستای این آرمان به شمار می رود.

با اعتقاد راسخ به رهائی زنان از عفریت سرمایه، ارتجاع و مذهب، به کار شکوهمند رفیق «رحیمه توخی» در این راستا ارج گذاشته، باور دارم که این راه خرائین را با سرافرازی بیشتر، با پشتکار بیشتر و امید بیشتر ادامه خواهند داد، زیرا نیروهای انقلابی زمانی می توانند جگرگاه امپریالیزم و ارتجاع را بهتر نشانه گیرند که در کنار هم و برای هم، دست در دست یک دیگر مبارزه خستگی ناپذیر را به پیش ببرند و در فرجام دشمنان توده ها را در دریائی از خون شان غرق سازند و کشتی انقلاب را به ساحل نجات رهنمون گردند.

قلم تان برا و شکوهمند باد!